

«حلقات»

درس 36

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین علم الهدی
آموزشیار: آقای طیبی

مقدمه

در درس گذشته بحثی پیرامون مفاد قاعده تسامح در ادله سنن آغاز شد که ثمره اثبات این قاعده، توسعه در دایره حجیت اخبار می باشد. هم چنین بیان شد که مستند این قاعده، اخبار من بلغ می باشد که در مورد آن چهار احتمال قابل بررسی است. در این درس ضمن پیگیری این مبحث، نکته ای راجع به احتمال دوم - که در درس قبل مطرح شد - ذکر شده و سپس دو احتمال دیگر درباره مفاد اخبار من بلغ نیز بیان خواهد شد. در پایان هم برخی تفاوت های نظری و عملی بین این چهار احتمال مطرح می گردد انتظار می رود با فراگیری این درس زمینه گزینش نظریه ای دقیق درباره مفاد من بلغ، فراهم می شود.

متن درس

الثالث: ان تكون إرشاداً إلى حكم العقل بحسن الاحتياط، و استحقاق المحتاط للثواب.

الرابع: ان تكون وعداً مولوياً لمصلحة في نفس الوعد، و لو كانت هذه المصلحة هي الترغيب في الاحتياط باعتبار حسنه عقلاً.

و الفارق بين هذه الاحتمالات الأربعة من الناحية النظرية واضح.

فالاحتمال الثالث يختلف عن الباقي في عدم تضمنه أعمال المولوية بوجه.

و الاحتمالان الأخيران يختلفان عن الأولين في عدم تضمنهما جعل الحكم، و يختلف الأول عن الثاني - مع

اشتراكهما في جعل الحكم - في أن الحكم المجعول على الأول ظاهري، و على الثاني واقعي.

و اما الأثر العملي لهذه الاحتمالات فهو واضح أيضاً إذ لا يبرر الاحتمالان الأخيران الإفتاء بالاستحباب بينما يبرر الاحتمالان الأولان ذلك.

نکته‌ای پیرامون احتمال دوم در مفاد اخبار من بلغ

یادآوری: احتمال دوم درباره مفاد اخبار من بلغ، جعل حکم تکلیفی واقعی استحباب اب بود. البته حکم استحباب، ب‌عنوان ثانوی است که برای توضیح این قید (عنوان ثانوی) ذکر یک مقدمه لازم است.

انواع جعل حکم در اسلام

در شریعت اسلام، افعال با دو عنوان محکوم به حکم می‌شوند:

1. حکم بر افعال، ب‌عنوان اولی؛ بدین معنا که فعل بما هُوَ هُوَ، مورد بررسی قرار گیرد.
مثال: خوردن گوشت مرده از آن جهت که گوشت مرده است (ب‌خودی خود و بدون لحاظ چیز دیگر)، حرام است.

2. حکم بر افعال، ب‌عنوان ثانوی؛ بدین معنا که گاهی فعل انسان یک عنوان ثانوی پیدا می‌کند که فعل ب‌خودی خود مشمول حکم نمی‌گردد، بلکه دارای عنوان جدید و به تبع آن دارای حکم جدید می‌شود.
مثال: گاهی اوقات انسان، مضطر به خوردن گوشت مرده می‌شود - که ب‌عنوان اولی و به خودی خود حرام است -، و ترک خوردن آن ممکن است، منجر به مرگ شود. در این صورت (اضطرار) فعل انسان دارای یک عنوان ثانوی و جدید می‌شود، که موجب جایز شدن و حتی واجب شدن - اگر زندگی متوقف بر آن باشد - خوردن گوشت مرده می‌شود.

تطبیق در محل بحث: در احتمال دوم مفاد اخبار من بلغ، ممکن است یک فعل ب‌عنوان اولی و ب‌خودی خود مستحب نباشد، ولی اگر از جانب شارع ثوابی درباره آن نقل شده باشد، با پیدایش این عنوان جدید (عنوان ثانوی)، حکم جدیدی بر فعل مترتب گردیده و واقعا مستحب می‌شود. در حقیقت مفاد این اخبار (هر عملی که ثوابی درباره آن از شارع برسد، مستحب می‌شود) ب‌مثابه یک کبرای کلی است که هرگاه صغرائی - مانند ثواب داشتن خوردن هندوانه - پیدا شود، این کبری به صغری ضمیمه می‌شود و در نتیجه می‌توان حکم به استحباب آن فعل کرد.

Sc01: 5:37

بیان احتمال سوم درباره مفاد اخبار من بلغ

احتمال سوم آن است که مفاد این اخبار، «ارشاد به حکم عقل» است؛ یعنی عقل با در نظر گرفتن رابطه عبد و مولا می‌گوید: هر عملی که احتمال دارد مطلوب مولا باشد و از روی احتیاط انجام شود، حسن و نیکوست. بنابراین اگر در روایتی ثوابی برای یک فعل نقل شد - اگرچه آن روایت ضعیف باشد - عقل می‌گوید چون احتمال مطلوبیت این فعل نزد مولا وجود دارد می‌توان احتیاطاً آن را انجام داد. در این صورت فاعل، ب‌حکم عقل کار نیکویی انجام داده و مستحق ثواب است.

مفاد اخبار طبق این احتمال: اخبار من بلغ نیز بیان‌کننده همین حکم عقلی هست و حکم جدیدی را بیان نمی‌کنند. در این جا شارع تنها مرشد به حکم عقل است؛ یعنی در این مسئله باید به حکم عقل عمل نمود.

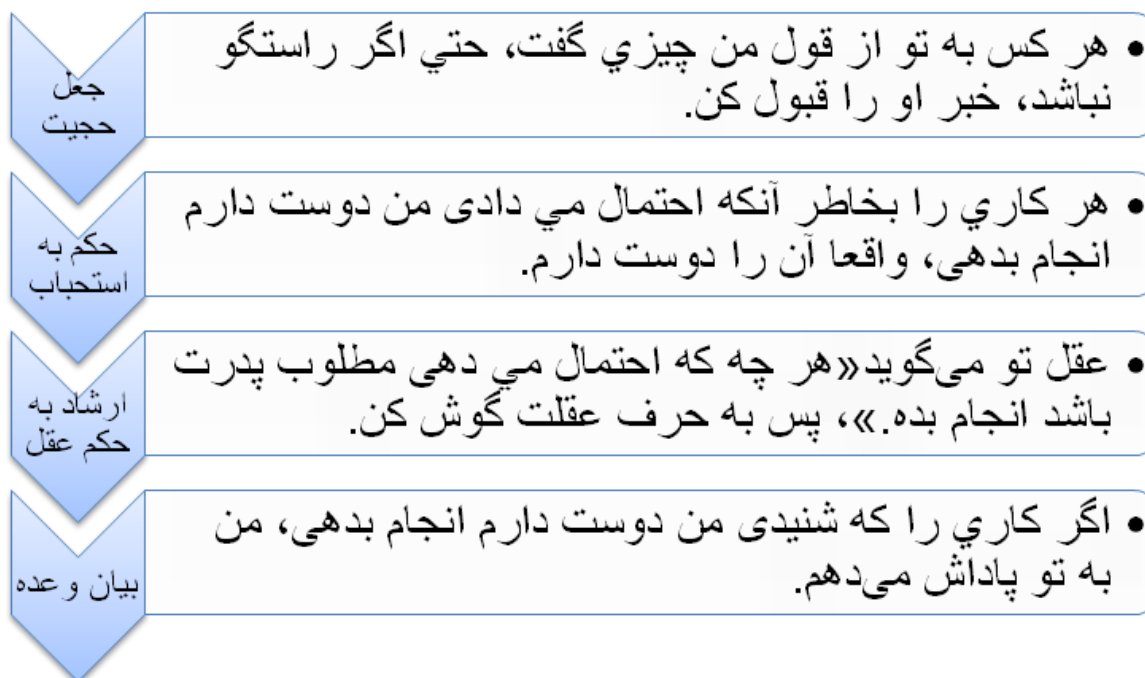
بیان احتمال چهارم درباره مفاد اخبار من بلغ

احتمال چهارم آن است که مفاد اخبار من بلغ «بیان یک وعده الهی» باشد. با توجه به اخبار فراوان باب استحباب و نیز عدم وجود شرایط حجیت در بسیاری از آنها، شارع با بیان وعده ثواب برای عمل به این اخبار ضعیف، می‌خواهد کسانی را که اهل احتیاط هستند و به ندای عقلشان (که ممکن است در بین این اخبار، مطلوب شارع یافت شود) گوش می‌دهند، تشویق به عمل کند.

مفاد اخبار طبق این احتمال: شارع بر اساس برخی مصالح - که در این وعده دادن می‌بیند - و بدون اینکه حکمی جعل کند، وعده ثواب می‌دهد تا باعث تشویق مکلفین گردد.

بیان احتمالات چهارگانه در ضمن یک مثال عرفی؛

ممکن است پدری برای ترغیب پسرش به انجام کاری به یکی از این شیوه‌ها سخن بگوید:



Sc02: 16:43

تفاوت‌های نظری بین احتمالات چهارگانه

برای تمایز کامل احتمالات چهارگانه از یکدیگر، به بررسی برخی تفاوت‌های آنها در دو حوزه نظر و عمل می‌پردازیم. تفاوت‌های نظری عبارتند از:

1. در میان احتمالات چهارگانه، احتمال سوم فاقد هر گونه اعمال مولویت است. شارع طبق این احتمال، ب عنوان یک مرشد ظاهر شده و به حکم عقل رهنمون می‌کند. این ارشاد نیاز به شأن مولویت ندارد و هر کس غیر از مولا نیز می‌تواند این کار را انجام دهد؛ حتی اگر شارع این روایات را انشاء نمی‌کرد، عقل هم به همین حکم رهنمون بود. به اصطلاح اصولیون حکم شارع در اینجا حکم ارشادی است.

این در حالی است که شارع در سه احتمال دیگر اعمال مولویت کرده است؛ بدین ترتیب که در دو احتمال اول، دو حکم مولوی (حجیت و استحباب) را جعل کرده و در احتمال چهارم وعده مولوی داده است. پس در حقیقت ثواب و پاداش دادن از شئون مولا است.

2. دو احتمال اول و دوم متضمن جعل حکم هستند. بدین معنا که شارع در احتمال اول، حکم وضعی ظاهری حجیت و در احتمال دوم، حکم تکلیفی واقعی استحباب را جعل کرده است. ولی در احتمال سوم و چهارم، شارع جاعل هیچ حکمی نیست، بلکه در احتمال سوم مرشد است و در احتمال چهارم فقط به بیان وعد مولوی اکتفا می کند.

3. مفاد احتمال اول، حکم ظاهری حجیت است که ظرف انشاء حکم ظاهری، شک مکلف است. ولی مفاد احتمال دوم، حکم واقعی استحباب است که فراتر از جهل و شک مکلف بوده و همیشه ثابت است.

Sco3: 23 :39

تفاوت های عملی بین احتمالات چهارگانه

1. طبق دو احتمال اول و دوم، فقیه می تواند به استناد اخبار من بلغ، فتوی به استحباب فعلی دهد که برای آن ثواب نقل شده است ولو با خبر ضعیف؛ چون بنا بر احتمال اول آن خبر ضعیف که ناقل ثواب برای فعل است، حجت می شود و بنا بر احتمال دوم آن فعل دارای عنوان ثانوی می شود که در هر دو صورت می توان حکم به استحباب آن فعل کرد.

اما در احتمال سوم و چهارم، فقیه نمی تواند با تمسک به این اخبار حکم به استحباب دهد؛ چون در هیچ یک از این دو احتمال، حکمی جعل نشده که بتوان بر اساس آن فتوا به استحباب فعلی داد که درباره آن ثوابی با خبر ضعیف رسیده است. دیگر تفاوت های عملی بین این احتمالات، در درس های آینده بیان خواهد شد.

Sco4: 27 : 25

چکیده

1. در شریعت اسلام افعال ببدو عنوان محکوم به احکام می شوند؛ گاه حکم بر فعل ببعنوان اولی است، و آن در جای می باشد که فعل بم هوهو لحاظ شود. گاهی نیز به عنوان ثانوی بر فعل حکم می شود ، در جایی که فعل به دلیل عارض شدن عنوان جدید دارای حکم جدید می شود.
2. طبق احتمال دوم در مفاد اخبار من بلغ، فعلی که درباره آن ثوابی نقل شده، هر چند ب ه عنوان اولی محکوم به حکم نباشد، ولی به عنوان ثانوی - که مستفاد از این اخبار است- محکوم به حکم واقعی تکلیفی استحباب می شود.
3. طبق احتمال سوم، مفاد اخبار من بلغ ارشاد به حکم عقل است؛ یعنی عقل با توجه به رابطه عبد و مولا می گوید: هر عملی را که احتمال دارد مطلوب مولا باشد و از روی احتیاط انجام شود ، حسن است .
4. احتمال چهارم آن است که مفاد اخبار من بلغ، بیان یک وعده الهی است. در این معنا که شارع بر اساس مصلحتی که در وعده دادن می بیند بدون اینکه حکمی جعل کند، وعده ثواب می دهد.
5. بین احتمالات چهارگانه اخبار من بلغ، سه تفاوت در حوزه نظر وجود دارد:
اولاً؛ در احتمال سوم بر خلاف سه احتمال دیگر، اعمال مولویت نشده است . ثانیاً؛ در بین احتمالات چهارگانه فقط دو احتمال اول متضمن جعل حکم هستند . ثالثاً؛ مفاد احتمال اول حکم ظاهری است ، ولی مفاد احتمال دوم حکم واقعی است.
6. یکی از تفاوت های احتمالات چهارگانه در حوزه عمل، آن است که فقیه طبق دو احتمال اول می تواند فقط به استحباب فعلی که درباره آن ثوابی با خبر ضعیف رسیده است، حکم دهد، ولی طبق دو احتمال دیگر نمی تواند فتوا به استحباب بدهد.